

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۵/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۵/۳۱

(صص ۵-۳۰)

دستگاه فعل در گویش طاری

محمد مهدی اسماعیلی*

چکیده:

هدف از نگارش این مقاله توصیف و بررسی دستگاه فعل در گویش طاری از گروه گویش‌های مرکزی ایران است. طار روستایی کهن است که در دهستان طَرق‌رود و در بخش مرکزی شهرستان نطنز استان اصفهان قرار گرفته است. گویش طاری یکی از گویش‌های بازمانده از زبان پارسی میانه و از شاخه شمال‌غربی زبان‌های ایرانی نو است که با گویش‌های طَرقی، کِشه‌ای و برخی دیگر از گویش‌های منطقه نطنز که دارای ساخت کُنایی هستند، همانندی و شباهت‌هایی دارد. در این پژوهش، با ارائه شواهد و نمونه‌هایی از گویش طاری، ضمن معرفی مشخصه‌های تصریفی این گویش مانند زمان، وجه، نمود، جهت، سببی‌سازی، مطابقه (با وندهای فاعلی و ضمیرهای پی‌بستی) و منفی‌سازی؛ هم‌چنین رابطه تصریفی ستاک حال و گذشته و صفت مفعولی و مصدر، شیوه ساخت صیغگان‌های مختلف فعل ارائه و توضیح داده شده است. داده‌های مقاله حاضر تماماً به

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

روش میدانی و از طریق مصاحبه و گفتگو با سه گویشور میان‌سال و سالمند طاری گردآوری شده است.

کلیدواژه‌ها: گویش طاری، گویش‌های مرکزی، مشخصه‌های تصریفی، ستاک‌های فعل، ساخت کُنایی

۱. مقدمه

هدف این مقاله توصیف و بررسی دستگاه فعل در گویش طاری است. طار که در گویش محل «دار» نامیده می‌شود، روستایی کهن و خوش آب‌وهوا با جمعیتی حدود ۱۵۰ نفر (۱۴۳ نفر طبق سرشماری مرکز آمار ایران، سال ۱۳۹۵) است، که در دهستان طَرَق‌رود و در بخش مرکزی شهرستان نطنز (در فاصله حدوداً ۴۰ کیلومتری جنوب غربی شهر نطنز و در دامنه جنوبی کوه کرکس) واقع شده است. گویش طاری به علت کوهستانی بودن منطقه و انزوای نسبی مردم آن، تا پنج‌شش دهه پیش گویشی زنده بوده؛ ولی در سال‌های اخیر به دلیل مهاجرت بیشتر اهالی آن به دیگر شهرها به ویژه تهران، و متعاقباً کاسته شدن از شمار گویشورانش، اکنون گویشی روبه زوال است و فقط در میان جمعیت کهنسال و میانسال این روستا رواجی نسبی دارد. گویش طاری (در تلفظ محلی «داری») به همراه دیگر گویش‌های روبه فراموشی منطقه نطنز و کاشان (مانند ابیان‌های، نطنزی، قَریزندی، یارتندی، بیده‌ندی، قُهرودی، ابوزیدآبادی، طَرَقی و کِشه‌ای)، به زیرگروه شمال شرقی گویش‌های مرکز ایران تعلق دارد.

۲. پیشینه پژوهش

نخستین پژوهش درباره گویش طاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رفعت‌الزمان آهور (۱۳۴۸) با عنوان «بررسی سیستم کارواژه در گویش تار» (به راهنمایی دکتر بهرام فره‌وشی، گروه زبان‌شناسی

دانشگاه تهران) است. در این اثر که متأسفانه به شکل بسیار نامطلوب و پراشتباهی تایپ شده، پس از اشاره‌ای کوتاه به ضمائر شخصی، در فصل دوم چند ساخت فعلی این گویش ارائه شده است. دو فصل پایانی نیز شامل چندین ضرب‌المثل و داستان و یک واژه‌نامه است. دومین پژوهش اثر محقق بلژیکی، پیر لُکوک (۲۰۰۲) با عنوان «پژوهش‌هایی درباره گویش‌های کرمانی (ایران مرکزی)» از مجموعه «آکتا ایرانیکا» (جلد ۳۹) است. این کتاب به بررسی نه گویش مرکزی رایج در استان اصفهان و از آن میان گویش طاری پرداخته است (هشت گویش دیگر اینها هستند: ابیان‌های، آبوزیدآبادی، اردستانی، انارکی، نایینی، قُهرودی، ورزته‌ای و بادرودی). این اثر که در اصل رساله دکتری نامبرده بوده و مواد گویشی آن بین سال‌های ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۴ گردآوری شده، شامل دستور، چندین متن، ترجمه متون و واژه‌نامه این گویش‌ها است که البته کاستی‌ها و ایراداتی هم دارد. اسماعیلی (۱۳۹۰) نیز براساس شیوه‌نامه گردآوری گویش‌های فرهنگستان زبان و ادب فارسی، این گویش را معرفی و بررسی کرده است. در مقاله پیش‌رو که داده‌های آن در تحقیق میدانی نگارنده گردآوری شده، کوشش شده که دستگاه فعل گویش طاری به‌عنوان یکی از گویش‌های مرکزی ایران معرفی و توصیف شود.

۳. مشخصه‌های تصریفی فعل در گویش طاری

فعل دارای مشخصه‌های (مقولات) تصریفی زمان، وجه، نمود، جهت، گذرابی، شمار و شخص است که در ادامه به هریک پرداخته می‌شود.

۳-۱. زمان دستوری

در طاری مانند بیشتر زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، تمایز زمان دستوری، دوشقی است، یعنی چون که ساخت خاصی برای زمان آینده ندارد می‌توان آن را دارای تقابل دوشقی، میان زمان گذشته با غیرگذشته (حال-آینده) به شمار آورد. بر همین اساس همه صیغگان‌های فعلی بر پایه دو ستاک

حال و گذشته شکل می‌گیرند. ستاک حال فقط در سه ساخت حالِ استمراری (اخباری)، حال التزامی و وجه امری؛ و ستاک گذشته (به‌علاوه صفت مفعولی) در بقیه ساخت‌های فعلی به کار می‌رود. میان دو ستاک حال و گذشته فعل، رابطه صرفی منظم و دقیقی که بتواند همواره همه افعال را شامل شود وجود ندارد. برای همین، از نظر ارتباط ساختی بین دو ستاک حال و گذشته، افعال را می‌توان به دو گروه کلی باقاعده و بی‌قاعده دسته‌بندی کرد.

۳-۱-۱. فعل‌های باقاعده

در این دسته از افعال، ستاک گذشته معمولاً با افزوده‌شدنِ پسوند گذشته‌ساز *-â* (که صورت تغییریافته پسوند *-ad* در زبان پارسی است) به ستاک حال و بدون ایجاد هیچ تغییر آوایی در آن ساخته می‌شود. این دسته را می‌توان «ستاک‌های گذشته باقاعده واکه‌ای» (پایان‌یافته به واکه) نامید. در جدول زیر این افعال معرفی شده‌اند.

مصدر فارسی	ستاک گذشته و حال	مصدر فارسی	ستاک گذشته و حال
لرزیدن	larz- > larz-â-	شنیدن	ayn- > ayn-â-
مالیدن	mâl- > mâl-â-	برخاستن	oss- > oss-â-
فکر کردن	men- > men-â-	ارزیدن	aži- > aži-yâ-
نهادن	n- > n-â-	بخشیدن	baxš- > baxš-â-
نالیدن	nâl- > nâl-â-	چسبیدن	čaws- > čaws-â-
پریدن	par- > par-â-	چریدن	čer- > čer-â-
پرسیدن	pars- > pars-â-	نشاندن	čin- > čin-â-
پوسیدن	püs- > püs-â-	دزدیدن	dozz- > dozz-â-
رسیدن	rass- > rass-â-	قرارداشتن	ešt- > ešt-â-
توانستن	š- > š-â-	شناختن	eynâs- > eynâs-â-
دادن	t- > t-â-	فهمیدن	fahm- > fahm-â-
ترسیدن	tars- > tars-â-	گندیدن	gand- > gand-â-

gel- > gel-â-	گشتن، شدن	tâš- > tâš-â-	تراشیدن
gür- > gür-â-	دریدن	vešt- > vešt-â-	ایستادن
gürn- > gürn-â-	افروختن	vöš- > vöš-â-	جوشیدن
hrasn- > hrasn-â-	فرستادن	vsönj- > vsönj-â-	شکافتن
jümb- > jümb-â-	جنیدن	xand- > xand-â-	خندیدن
kâv- > kâv-â-	کاویدن	xor- > xor-â-	خاریدن
kiš- > kiš-â-	کشیدن	zok- > zok-â-	نالیدن
kol- > kol-â-	شلیدن	zun- > zun-â-	دانستن
köv- > köv-â-	کوبیدن	žv- > žv-â-	گشتن (تفریح کردن)

در دسته کوچکتری از افعال باقاعده، نشانگر زمان گذشته، پسوند -t- / -d است. این دسته را می توان «ستاک های گذشته باقاعده همخوانی» (پایان یافته به همخوان) نامید:

مصدر فارسی	ستاک گذشته و حال	مصدر فارسی	ستاک گذشته و حال
جویدن	žâr- > žâr-d-	بافتن	bâf- > bâf-t-
ماندن	mun- > mun-	چشیدن	čiš- > čiš-t-
بریدن	vun- > vun-d-	پوشیدن	pöš- > pöš-t-
خواندن	xun- > xun-d-	شکافتن	škâf- > (e)škâf-t-
آوردن	âr- > âr-d-	داشتن	dâr- > dâr-d-
آردکردن	har- > har-d-	شکستن	hmar- > h(e)mar-d-
سپردن	spâr- > spâr-d-	پاره کردن	hvar- > h(e)var-d-

فعل زیر تنها مثالی است که پسوند گذشته ساز -t- در اثر همگونی با همخوان پایانی ستاک حال، دچار تغییر آوایی شده است:

مصدر فارسی	ستاک گذشته	ستاک حال
انداختن، زدن	xoss- → *xos-t-	xos-

۳-۱-۲. فعل‌های بی‌قاعده

در این گروه که ستاک گذشته، به‌جز چند استثناء، همیشه به همخوان ختم می‌شود، معمولاً رابطه ساختی و تصریفی قاعده‌مند و منظمی میان دو ستاک حال و گذشته وجود ندارد و در بسیاری از موارد با افزودن پسوند گذشته‌ساز، تغییرات آوایی کم یا زیادی در ستاک حال رخ می‌دهد. فعل‌های این گروه را بر اساس واج پایانی ستاک گذشته می‌توان به دو دسته همخوانی (پایان‌یافته به همخوان) و واکه‌ای (پایان‌یافته به واکه) تقسیم کرد.

در دسته نخست واج پایانی ستاک گذشته همواره انسدادی دندانی /t/ یا /d/ است که مثال‌های آن در جدول زیر ارائه شده است.

مصدر فارسی	ستاک گذشته و حال	مصدر فارسی	ستاک گذشته و حال
وزن کردن	sanj- > sat-	دوختن	darz- > dašt-
پاره کردن	vsönj- > fesešt-	دوشیدن	döš- > dot-
آبیاری کردن	henj- > het-	آموختن	hmos- > h(e)mot-
مکیدن	moj- > mot-	فروختن	hrâš- > h(e)rât-
پختن	peč-, wč- > pax-	خواهیدن	hos- > hot-
پیچیدن	pič- > pet-	گشتن	keš- > košt-
ریختن	reĵ- > ret-	ریدن	mez- > mešt-
ساختن	sâĵ- > sât-	نوشتن	nves- > nevešt-
سوختن	söĵ- > sot-	ریسیدن	res- > rešt-
بیختن، کندن	vöĵ- > vat-	سرشتن	rseš- > serešt-
گفتن	vâĵ- > vât-	رُفتن	röv- > rot-
شاشیدن	tâĵ- > tât-	دویدن	vöz- > vašt-
زن گرفتن	xâš- > xâšt-	یافتن	vöz- > vöšt-
گذاشتن	hal- > hašt-	آمدن	y- > uma-, und-
کاشتن	kâr- > kašt-	بردن	ber-, rb- > bard-

gir- > gat-	گرفتن	mir- > mard-	مردن
hangâr- > hangâšt-	صحبت کردن	šör- > šöšt-	شستن
ker- > kard-	کردن	xer- > xârd-	خوردن
ken- > kand-	کندن	yver- > yvašt-	گذشتن
neg- > čašt-	نشستن	rbumb- > rbat-	گریستن
neg- > ni-	بردن	k- > kat-	افتادن

فعل زیر تنها مثالی است که پسوند گذشته ساز در اثر تغییرات آوایی تاریخی به همخوان صفیری /s/ تبدیل شده است:

مصدر فارسی	ستاک گذشته و حال
بستن	band- > bass-

ولی در دسته دوم از این افعال، که فقط پنج فعل جدول زیر را شامل می شود، ستاک گذشته به واکه i- ختم می شود:

مصدر فارسی	ستاک گذشته/ستاک حال	مصدر فارسی	ستاک گذشته/ستاک حال
زدن (نواختن)	ž(e)n- > ži-	چیدن	čēn-, šn- > či-
خریدن	hrin- > hiri-	دیدن	vön-, yn- > di-
-----	-----	آوردن	un- > uni-

۳-۱-۳. فعل های دارای دو ستاک گذشته

چهار فعلی که در زیر معرفی شده اند، بر اثر تغییر و تحولات آوایی تاریخی، استثنائاً دارای دو ستاک گذشته اند که هر دو بی قاعده اند و هر کدام (یکی همخوانی و دیگری واکه ای) در یکی از ساخت های فعلی به کار می رود:

مصدر فارسی	ستاک گذشته همخوانی	ستاک گذشته واکه‌ای	ستاک حال
آمدن	und-	uma-	y-
رفتن	št-	šo-	š-
بودن	bed-	bo-	b-
شدن	vd-	bo-	b-

۳-۱-۴. صفت مفعولی

صفت مفعولی با اضافه‌شدن پسوند a- به ستاک گذشته ساخته می‌شود. همخوان انسدادی پایانی ستاک‌های گذشته گهگاه مشدد می‌شود. در ستاک‌های گذشته واکه‌ای نیز به دلیل التقای دو واکه، همخوان ناسوده /y/ میانجی می‌شود.

فارسی	صفت مفعولی > ستاک گذشته	فارسی	صفت مفعولی > ستاک گذشته
گفته	vât- > vâtt-a	کشته	košt- > košt-a
داده	tâ- > tâ-y-a	پخته	pax- > pax-a

صفت مفعولی چهار فعلی که استثنائاً دو ستاک گذشته دارند (یعنی «آمدن»، «رفتن»، «بودن» و «شدن») از ستاک گذشته همخوانی آنها ساخته می‌شود.

فارسی	صفت مفعولی	ستاک گذشته همخوانی	ستاک گذشته واکه‌ای
بوده	beda-	bed-	bo-
شده	vda-	vd-	bo-
آمده	unda-	und-	uma-
رفته	šta-	št-	šo-

۲-۳. نمود

در این گویش دو نمود وجود دارد: ناقص و کامل. نشانه نمود ناقص پیشوند *a-* است که فقط در دو ساخت حال استمراری/اخباری و گذشته استمراری دیده می‌شود. این پیشوند دارای تکواژگونه *at-* است که پیش از ستاک‌های آغازشده با واکه می‌آید. غیر از این دو ساخت، در بقیه ساخت‌های فعلی هر سه وجه، پیشوند یا پیش فعل *be-* (پیش از واکه *b-*) به کار می‌رود. پیش فعل *be-* در صورت وجود پیشوند اشتقاقی فعل ظاهر نمی‌شود. به بیانی دیگر در ساخت افعال پیشوندی و مرکب، پیشوند اشتقاقی و عنصر غیرفعلی، نقش پیش فعل را ایفا می‌کند، مانند نمونه زیر:

بگیر (= بستن) <i>hâ-gi</i>	برگیر (= بردار) <i>âr-gi</i>	بگیر (= نگاه دار) <i>be-gi</i>
----------------------------	------------------------------	--------------------------------

۳-۳. وجه

در این گویش سه وجه وجود دارد: اخباری، التزامی و امری. غیر از یک ساخت امری (شامل دو صیغه) و دو ساخت التزامی (حال التزامی و گذشته التزامی)، دیگر ساخت‌ها همگی به وجه اخباری هستند. غیر از دو ساخت حال استمراری/اخباری و گذشته استمراری که در تصریفشان از پیشوند نمود ناقص *a-* استفاده می‌شود، در بقیه ساخت‌های فعلی (اخباری، التزامی و امری) پیشوند نمود کامل یا پیش فعل *be-* به کار می‌رود. به عبارت دیگر، پیش فعل *be-* فقط نشانگر وجه التزامی و امری نیست؛ بلکه برای وجه اخباری نیز کاربرد دارد. براین اساس می‌توان گفت که ظاهراً مقوله نمود در نظام تصریف افعال مهم‌تر از مقوله وجه است. جدول زیر کاربرد این دو پیشوند تصریفی را نشان می‌دهد:

جدول ۱. کاربرد دو پیشوند نمود ناقص و کامل در ساخت‌های فعلی

نمود	وجه	ساخت‌های فعلی
ناقص		a-hos-a < «می خوابد» حال استمراری
		a-hot < «می خوابید» گذشته استمراری
اخباری		be-hot < «خوابید» گذشته ساده
		be-hotta-ya < «خوابیده است» حال کامل
		be-hotta-bo < «خوابیده بود» گذشته کامل
		be-hos-a < «بخوابد» حال التزامی
کامل	التزامی	be-hotta-bö < «خوابیده باشد» گذشته التزامی
		be-hos < «بخواب» امری

۳-۴. مطابقه (شخص و شمار)

مطابقه به کمک دو نوع نشانه مشخص می‌شود: یک) با شناسه‌های فعلی در تصریف همه ساخت‌های گذشته و حال افعال لازم و نیز حال افعال متعدی؛ دو) با ضمائر پی‌بستی فقط در تصریف ساخت‌های گذشته افعال متعدی و نیز زمان حال برخی افعال وجهی.

۳-۴-۱. شناسه‌های فعلی

این شناسه‌ها به جز ساخت‌های گذشته افعال متعدی در بقیه ساخت‌ها به کار می‌روند:

امر	ساخت‌های گذشته	ساخت‌های حال	شخص و شمار
	-un	-un	۱ش م
-Ø / -e	-e	-e	۲ش م

۳ش م	-a / -ö	-Ø	
۱ش ج	-im	-im	
۲ش ج	-id	-id	-id
۳ش ج	-and	-and	

همخوان خیشومی پایانی شناسه اول شخص مفرد، وضعیتی تقریباً ناپایدار دارد و گاهی حذف می شود. لُکوک (۱۱۶: ۲۰۰۲) این شناسه را به صورت <ö> ثبت کرده است. همان گونه که مشخص است، شناسه های حال و گذشته، به جز شناسه سوم شخص مفرد کاملاً یکسان اند. شناسه سوم شخص مفرد سه تکواژگونه دارد: پسوند a- در ساخت های حال، پسوند ö- فقط در صیغگان حال سه فعل «رفتن»، «شدن» و «بودن»؛ و Ø- (تکواژ صفر) در ساخت های گذشته. مثال های زیر برای نمونه ارائه شده است:

شناسه a-	a-mir-a	می میرد	be-mir-a	بمیرد
شناسه Ø-	a-mard-Ø	می مُرد	be-mard-Ø	مُرد
شناسه ö-	a-š-ö	می رود	be-š-ö	برود
	a-b-ö	می شود	be-b-ö	بشود
	b-ö	باشد		

شناسه صیغه دوم شخص مفرد امر تکواژ صفر است، ولی در چند مورد استثنائاً شناسه e- به کار می رود.

۳-۴-۲. ضمائر پی بستی

این ضمائر علاوه بر نقش مضاف الیهی/ملکی شان هنگام پیوستن به اسم، در ساخت های گذشته افعال متعدی نشانه فاعل اند و نقش شناسه فعلی را ایفا می کنند.

اشم ^۱ = (e)m	اشج = (e)mun
اشم ^۲ = (e)d	اشج ^۲ = (e)dun
اشم ^۳ = (e)š	اشج ^۳ = (e)šun

۳-۵. گذرایی

تمایز افعال متعدی و لازم فقط در تصریف ساخت‌های گذشته آنها نمود می‌یابد، به این صورت که ساخت‌های گذشته افعال لازم با شناسه فعلی، و ساخت‌های گذشته افعال متعدی با ضمائر پی بستی (ساخت کُنایی یا ارگاتیو) صورت می‌گیرد. در ساخت‌های حال تفاوتی بین این دو فعل نیست. مثال‌های زیر بیانگر این مطلب‌اند:

فعل لازم	فعل متعدی
می‌دوند (حال) a-vöz-and	می‌کارند (حال) a-kâr-and
می‌دویدند (گذشته) a-vašt-and	می‌کاشتند (گذشته) a=šun-kašt

۳-۶. سببی‌سازی

پسوند -n به ستاک حال افعال لازم و متعدی وصل شده و صورت سببی متناظر آنها را می‌سازد. ستاک گذشته افعال سببی همیشه باقاعده بوده و با پسوند گذشته‌ساز -â ساخته می‌شود، مانند نمونه‌های زیر:

فعل سببی			فعل غیر سببی		
مصدر	ستاک گذشته	ستاک حال	مصدر فارسی	ستاک	ستاک حال
چرانیدن	čer-n-â-	čer-n-	چریدن	čerâ-	čer-
گردانیدن	gel-n-â-	gel-n-	گشتن	gelâ-	gel-
آموزانیدن	hmos-n-â-	hmos-n-	آموختن	hmot-	hmos-

hos-	hot-	خواهیدن	hos-n-	hos-n-â-	خواه‌انیدن
tars-	tarsâ-	ترسیدن	tars-n-	tars-n-â-	ترسانیدن
vöš-	vöšâ-	جوشیدن	vöš-n-	vöš-n-â-	جوشانیدن
yver-	yvašt-	گذشتن	yver-n-	yver-n-â-	گذرانیدن

وند سببی دارای تکواژگونه‌ای به صورت en- است که فقط در ساخت امری دوم شخص مفرد به کار می‌رود:

غیر سببی	سببی
be-gel	بگردان
be-hos	بخوابان
be-tars	بترسان
be-vöš	بجوشان

در برخی افعال با پیوستن وند سببی، تغییراتی آوایی در ستاک حال فعل رخ می‌دهد.

غیر سببی	سببی
žümb-	جنبان- > *žümb-n- > žüm-n-
xand-	خندان- > *xand-n- > xan-n-
dar-gir-	درگیران- > *dar-gir-n- > dar-gür-n-
rass-	رسان- > *rass-n- > ras-n-
zâ-	زایان- > *zâ-n- > ze-n-
söj-	سوزان- > *söj-n- > sü-n-

در مثال زیر سببی‌سازی تکمیلی است و از فعل دیگری استفاده شده است:

مصدر فارسی	ستاک	ستاک حال	مصدر فارسی	ستاک	ستاک حال
نشاندن	hâ-čen-â-	hâ-čen-	نشستن	hâ-čašt-	hâ-neg-

۷-۳. جهت

مجهول در این گویش تصریفی است و با افزودن پسوند *-i* به ستاک حال ساخته می‌شود. ستاک گذشته مجهول نیز همواره باقاعدهٔ واکه‌ای است و با پسوند گذشته‌ساز *-â* ساخته می‌شود. مثال‌های زیر برای نمونه ارائه شده است:

فارسی	ستاک گذشته	فارسی	ستاک گذشته
گفته‌شدن	vâj-i-yâ	گفتن	vât-
پاره‌شدن	hvar-i-yâ	پاره‌کردن	h(e)vard-
بسته‌شدن	band-i-yâ	بستن	bass-

در مثال زیر علاوه بر صورت غیرسببی فعل، ساخت مجهول از ستاک سببی فعل نیز مفهوم و معنای فعل لازم را می‌رساند:

مصدر فارسی	ستاک گذشته	ستاک حال
درگرفتن (روشن شدن، شروع شدن)	dar-gat-	dar-gir-
درگیرانیدن (روشن کردن)	dar-gür-n-â-	dar-gür-n-
درگیرانیده شدن (روشن شدن)	dar-gür-n-i-yâ-	dar-gür-n-i-

ساخت مجهول گهگاه با تغییرات آوایی در ستاک حال فعل (از جمله سایشی شدن همخوان پایانی و افراستگی بیشتر واکه) همراه است، مانند نمونهٔ زیر:

مصدر فارسی	ستاک گذشته مجهول	ستاک حال مجهول	ستاک حال معلوم
ریخته‌شدن	riš-i-yâ-	*reĵ-i- > riš-i-	reĵ-
پخته‌شدن	piš-i-yâ-	*peč-i- > piš-i-	peč-

مجهول غیرتصریفی با فعل معین «شدن» گاهی نیز به کار می‌رود (ظاهراً به قیاس فارسی):

فارسی	مجهول غیرتصریفی	مجهول تصریفی
کشته شد	košta bebo	be-kiš-i-yâ

۳-۸ منفی سازی

نشانه نفی پیشوند **ne-** است. تکواژگونه **n-** فقط پیش از وند نمود ناقص **a-** می‌آید. فعل نهی با پیشوند **ma-** ساخته می‌شود. نشانه نفی با وند نمود کامل **be-** همنشینی ندارد و جانشین آن می‌شود. مثال زیر بیانگر این مطلب است:

فعل منفی	فعل مثبت
گریه نکرد ne-rbat	گریه کرد be-rbat
گریه نمی‌کرد n-a-rbat	گریه می‌کرد a-rbat
گریه نمی‌کند n-a-rbumb-a	گریه می‌کند a-rbumb-a
گریه ممکن ma-rbumb	گریه کن be-rbumb

فعل نهی (امر منفی) با قرار گرفتن وند **ma-** به جای وند نمود کامل **be-** ساخته می‌شود:

نخر ma-hrin	نخواب ma-hos
نخرید ma-hrin-id	نخوابید ma-hos-id

۳-۹ ساخت‌های فعلی

ساخت‌های حال افعال لازم و متعدی با هم فرقی ندارند و هر دو با شناسه‌های فعلی صرف می‌شوند. ولی در ساخت‌های گذشته این افعال تفاوت دیده می‌شود، به این معنی که افعال لازم با شناسه‌ها صرف می‌شوند، ولی در افعال متعدی ضمائر پی‌بستی نقش مطابقت با فاعل را ایفا می‌کنند

که این ساخت به کُنایی معروف شده است. قواعد مذکور در چند مورد استثنائی رعایت نمی‌شود، از جمله صیغگانِ حال برخی افعال وجهی (مانند «بایستن») که صرف به اصطلاح کُنایی دارند.

۳-۹-۱. حال استمراری (اخباری)

این ساخت که در افعال لازم و متعدی یکسان است با هم‌نشینی و توالیِ این تکواژها شکل می‌گیرد: پیشوند نمود ناقص + ستاک حال + شناسهٔ فعلی.

فعل لازم	فعل متعدی
a-hos-un می‌خوابم	a-hrin-un می‌خرم
a-hos-e می‌خوابی	a-hrin-e می‌خوری
a-hos-a می‌خوابد	a-hrin-a می‌خرد
a-hos-im می‌خوابیم	a-hrin-im می‌خریم
a-hos-id می‌خواهید	a-hrin-id می‌خرید
a-hos-and می‌خوانند	a-hrin-and می‌خرند

در ساخت چند فعل که واکهٔ هجای نخستِ ستاکِ حالشان واکهٔ کوتاه /e/ است، این واکه حذف می‌شود. در جدول زیر برای اختصار فقط صورت سوم شخص مفرد این چند فعل ارائه شده است:

akša	< *a-keš-a	می‌کُشد	aplâsa	< *a-pelâs-a	می‌پلاسَد
akna	< *a-ken-a	می‌کَنَد	atrakna	< *a-terakn-a	می‌ترکانَد
akra	< *a-ker-a	می‌کُند	ahrâša	< *a-herâš-a	می‌فروشد
anga	< *a-neg-a	می‌بَرَد	ahrin-	< *a-hirin-a	می‌خرد
axra	< *a-xer-a	می‌خورد	ahmara	< *a-hemar-a	می‌شکند
ažna	< *a-žen-a	می‌زند	ahvara	< *a-hevar-a	می‌دَرَد

ažva	< *a-žev-a	می گردد	ahrasna	< *a-herasn-a	می فرستد
anvesa	< *a-neves-	می نویسد	-----		-----

حذف فوق‌الذکر در چند مورد زیر با تغییرات آوایی دیگری از جمله سایشی شدن همخوان اول ستاک حال و یا قلب همخوان‌های ستاک حال نیز همراه است.

ašna	< a-čen-a	می چیند	awča	< a-peč-a	می پزد
hâ-ašna	< hâ-a-čen-a	می نشاند	ayna	< a-vön-a	می بیند
arba	< a-ber-a	می برد	ayvera	< a-vyer-a	می گذرد
arseša	< a-sereš-a	می سرشد	arbumba	< a-brumb-a	می گرید

در تصریف فعل «گفتن» حذف هجای دوم صورت فعلی (همخوان و واکه آغازی ستاک حال) رخ می‌دهد:

a(vâ)jūn	می گویم	a(vâ)jīm	می گویم
a(vâ)je	می گویی	a(vâ)jid	می گوید
a(vâ)ja	می گوید	a(vâ)jand	می گویند

اگر مفعول مستقیم به صورت ضمیر پی‌بستی به فعل پیوندد، ستاک حال به صورت اصلی خود ظاهر می‌گردد. ضمیر پی‌بستی مفعولی پس از وند نمود (ناقص یا کامل) قرار می‌گیرد. در صیغه دوم شخص مفرد امری نیز واکه ستاک حال حذف نمی‌شود:

امری	با مفعول	بدون مفعول
بکُش	می‌کُشد	a=d-keš-a
be-keš		a-kš-a
ببر	می‌بردش	a=š-neg-a
be-neg		a-ng-a

a-yn-a	می‌بیند	a=m-vön-a	می‌بیندم	be-yn	بین
a-wč-a	می‌پزد	a=š-peč-a	می‌پزدش	be-peč	پیز

در افعالی که ستاک حالشان با واکه شروع می‌شود، وند نمود ناقص به‌جای a- به‌صورت at- ظاهر می‌شود:

at-âr-and	می‌آورند (با مفعول بی‌جان)
at-un-and	می‌آورند (با مفعول جاندار)
âr-at-ayn-and	می‌شنوند (فعل پیشوندی)

۳-۹-۲. حال التزامی

این ساخت که در افعال لازم و متعدی یکسان است با هم‌نشینی و توالی این تکواژها شکل می‌گیرد: پیش‌فعل + ستاک حال + شناسه فعلی.

فعل لازم	فعل متعدی
be-hos-un	be-hrin-un
be-hos-e	be-hrin-e
be-hos-a	be-hrin-a
be-hos-im	be-hrin-im
be-hos-id	be-hrin-id
be-hos-and	be-hrin-and

۳-۹-۳. امری

این ساخت که فقط دو صیغه دارد با هم‌نشینی و توالی این تکواژها شکل می‌گیرد: پیش فعل + ستاک حال + شناسه فعلی

فعل متعدی	فعل لازم
be-hrin بخر	be-hos بخواب
be-hrin-id بخريد	be-hos-id بخوايد

صورت دوم شخص مفرد امری فعل «آمدن» تکمیلی است و با ستاک حال فعل یعنی y- هیچ شباهت آوایی ندارد:

ma-to نیا / میا	بيا	b-ore
ma-y-id نیاید / میاید	بیاید	be-y-id

در صیغه دوم شخص مفرد چند فعل در جدول پایین، همخوان پایانی ستاک حال حذف می‌شود. این همخوان محذوف معمولاً واجی لرزشی است. حذف مذکور در دوم شخص جمع رخ نمی‌دهد:

دوم شخص جمع	دوم شخص مفرد
be-br-id > berbid ببرید	*be-ber > bebe ببر
be-kr-id بکنید	*be-ker > beke بکن
be-xr-id بخورید	*be-xer > bexo بخور
hâ-gir-id بگیرید	*hâ-gir > hâgi بگیر
be-hangâr-id حرف بزنید	*be-hangâr > behangâ حرف
be-vâj-id بگوئید	*be-vâj > bevâ بگو

دوم شخص مفرد امری چند فعل زیر به جای شناسه صفر، با شناسه -e صرف می‌شود (احتمالاً برای جلوگیری از ایجاد فعل تک‌هجایی):

be-b-e	بشو	be-žv-e	بگرد
be-š-e	برو	dar-k-e	بیافت
b-âr-e	بیاور	v-ešd-e	بایست

صیغه‌های امری فعل «بودن» به علت نداشتن پیش‌فعل، تک‌هجایی هستند. امری فعل «دانستن» به صورت ترکیبی است، یعنی با ستاک حال «دان-» و صورت امری فعل «بودن» شکل می‌گیرد:

b-e	باش	b-id	باشید
zun-be > zumbe	بدان (بدان باش)	zun-bid >	بدانید (بدان باشید)

۳-۹-۴. گذشته ساده

این ساخت همان‌گونه که قبلاً گفته شد در افعال لازم و متعدی متفاوت است. در افعال لازم با هم نشینی پیش‌فعل + ستاک گذشته + شناسه فعلی شکل می‌گیرد و در افعال متعدی با هم‌نشینی پیش‌فعل + ضمائر پی‌بستی + ستاک گذشته.

فعل لازم	فعل متعدی
be-hott-un	be=m-hiri
be-hott-e	be=d-hiri
be-hot	be=š-hiri
be-hott-im	be=mun-hiri
be-hott-id	be=dun-hiri
be-hott-and	be=šun-hiri

در ساخت دو فعل متعدی «آوردن» و «داشتن»، ضمایر پی‌بستی استثنائاً پس از ستاک گذشته قرار می‌گیرند. فعل «داشتن» بدون وند نمود (ناقص و کامل) صرف می‌شود.

داشت	< *be=š-	dârd=eš	آورد	< *be=š-ârd	b-ârd=eš
------	----------	---------	------	-------------	----------

در چند فعل که ستاک گذشته آنها مختوم به خوشه rd- است، این خوشه حذف می‌شود. این افعال همه متعدی هستند.

برد	< *be=š-bard	be=š-ba
کرد	< *be=š-kard	be=š-ka
خورد	< *be=š-xârd	be=š-xâ
شکست	< *be=š-hemard	be=š-hema
داشت	< *eš dârd	=eš dâ

۳-۹-۵. گذشته استمراری

این ساخت نیز در افعال لازم و متعدی تصریفی متفاوت دارد. در افعال لازم با هم‌نشینی پیشوند نمود ناقص + ستاک گذشته + شناسه فعلی شکل می‌گیرد و در افعال متعدی با هم‌نشینی پیشوند نمود ناقص + ضمایر پی‌بستی + ستاک گذشته.

فعل متعدی	فعل لازم	
می‌خریدم	می‌خوایدم	a=m-hiri
می‌خریدی	می‌خوایدی	a=d-hiri
می‌خرید	می‌خواید	a=š-hiri
می‌خریدیم	می‌خوایدیم	a=mun-hiri
می‌خریدید	می‌خوایدید	a=dun-hiri
می‌خریدند	می‌خوایدند	a=šun-hiri

اگر واج آغازی ستاک گذشته واکه باشد، وند نمود ناقص به‌صورت at- ظاهر می‌شود:

at-uma-[y]un	می‌آمدم	at-uma-[y]im	می‌آمدیم
at-uma-[y]e	می‌آمدی	at-uma-[y]id	می‌آمدید
at-uma	می‌آمد	at-uma-[y]and	می‌آمدند

در تصریف گذشته استمراری فعل «آوردن»، در اثر بازتحلیل، همخوان وند نمود ناقص at- جزئی از ستاک گذشته فعل شده است:

a=š-tâ(rd)	< *a=š-ârd	می‌آورد
a=šun-tâ(rd)	< *a=šun-ârd	می‌آوردند

۳-۹-۶. گذشته نقلی (حال کامل)

این ساخت در افعال لازم با هم‌نشینی پیش فعل + صفت مفعولی + فعل پی‌بستی «بودن» شکل می‌گیرد و در افعال متعدی با هم‌نشینی پیش فعل + ضمایر پی‌بستی + صفت مفعولی.

فعل متعدی	فعل لازم
خریده‌ام	be-hotta-yun
خریده‌ای	be-hotta-ye
خریده‌است	be-hotta-ya
خریده‌ایم	be-hotta-yim
خریده‌اید	be-hotta-yid
خریده‌اند	be-hotta-yand

۳-۹-۷. گذشته بعید (گذشته کامل)

این ساخت در افعال لازم با هم‌نشینی پیش فعل + صفت مفعولی + گذشته ساده فعل کمکی «بودن» شکل می‌گیرد و در افعال متعدی با هم‌نشینی پیش فعل + ضمائر پی‌بستی + صفت مفعولی + صیغه سوم شخص مفرد گذشته ساده فعل کمکی «بودن».

فعل لازم	فعل متعدی
be-hotta-boyun خوابیده بودم	be=m-hiriya-bo خریده بودم
be-hotta-boye خوابیده بودی	be=d-hiriya-bo خریده بودی
be-hotta-bo خوابیده بود	be=š-hiriya-bo خریده بود
be-hotta-boyim خوابیده بودیم	be=mun-hiriya-bo خریده بودیم
be-hotta-boyid خوابیده بودید	be=dun-hiriya-bo خریده بودید
be-hotta-boyand خوابیده بودند	be=šun-hiriya-bo خریده بودند

۳-۹-۸. گذشته ابعد (گذشته کامل نقلی)

این ساخت در افعال لازم با هم‌نشینی پیش فعل + صفت مفعولی + صیغگان گذشته نقلی فعل کمکی «بودن» شکل می‌گیرد و در افعال متعدی با هم‌نشینی پیش فعل + ضمائر پی‌بستی + صفت مفعولی + صیغه سوم شخص مفرد گذشته نقلی فعل کمکی «بودن».

فعل لازم	فعل متعدی
be-hotta-bedayun خوابیده بوده‌ام	be=m-hiriya-bedaya خریده بوده‌ام
be-hotta-bedaye خوابیده بوده‌ای	be=d-hiriya-bedaya خریده بوده‌ای
be-hotta-bedaya خوابیده بوده	be=š-hiriya-bedaya خریده بوده

be-hotta-bedayim	خواهی‌ده بوده‌ایم	be=mun-hiriya-	خریده بوده‌ایم
be-hotta-bedayid	خواهی‌ده بوده‌اید	be=dun-hiriya-	خریده بوده‌اید
be-hotta-bedayand	خواهی‌ده بوده‌اند	be=šun-hiriya-bedaya	خریده‌بوده‌اند

۳-۹-۹. گذشته التزامی

این ساخت در افعال لازم با هم‌نشینی پیش فعل + صفت مفعولی + حال التزامی فعل کمکی «بودن» شکل می‌گیرد و در افعال متعدی با هم‌نشینی پیش فعل + ضمایر پی‌بستی + صفت مفعولی + صیغه سوم شخص مفرد حال التزامی فعل کمکی «بودن».

فعل متعدی	فعل لازم
خریده باشم	be=m-hiriya-bö
خریده باشی	be=d-hiriya-bö
خریده باشد	be=š-hiriya-bö
خریده باشیم	be=mun-hiriya-bö
خریده باشید	be=dun-hiriya-bö
خریده باشند	be=šun-hiriya-bö

۳-۹-۱۰. آینده

ساخت خاصی برای آینده وجود ندارد و مانند فارسی از حال استمراری استفاده می‌شود.

۳-۹-۱۱. مصدر

در گویش طاری دو نوع مصدر وجود دارد: مصدر کامل که کاربرد کمتری دارد و با افزودن پسوند *mun-* به ستاک گذشته ساخته می‌شود؛ و مصدر مرخم که بیشتر در گروه فعلی و همراه

با افعال وجهی استفاده می‌شود. در ساخت مصدر مرخم افعال واکه‌ای، واج ناسوده [y] به آخر ستاک گذشته افزوده می‌شود.

مصدر فارسی	مصدر کامل	مصدر مرخم	ستاک گذشته
ساختن	sât-mun	sât	sât-
کشتن	koš(t)-mun	košt	košt-
مالیدن	mâlâ-y-mun	mâlâ-y	mâlâ-

دو مثال زیر کاربرد مصدر مرخم را در جمله نشان می‌دهد:

وَرَمالیدن (= فرار کردن) کارِ مَرَد نیست	âr-mâlâ-y kâr=e merd neya
وقت برگشتن، نان بخر	vaxt=e vâ-gelâ-y, nun behrin

۴. نتیجه‌گیری

در این مقاله که نتیجه تحقیقی میدانی است، وضعیت ساخت فعل در گویش طاری متعلق به گویش‌های فلات مرکزی ایران (زیرگروه شمال شرقی) مورد بررسی قرار گرفت و نتایج زیر به دست آمد. همه ساخت‌های فعلی مانند بیشتر زبان‌های ایرانی نو مبتنی بر دو ستاک حال و گذشته است که در مواردی رابطه تصریفی منظم و مشخصی بین آنها مشاهده نمی‌شود و به همین دلیل افعال را می‌توان به دو گروه اصلی باقاعده و بی‌قاعده دسته‌بندی کرد. یکی دیگر از ویژگی‌های دستگاه فعل طاری، هم‌چون برخی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو، غربی، داشتن ساخت کُنایی یا ارگاتیو است، به این معنا که شیوه خاص و جداگانه‌ای را برای تصریف گذشته افعال متعدی صورت‌بندی کرده و آن استفاده از ضمائر پی‌بستی برای نشان دادن فاعل، به جای استفاده از شناسه‌های فعلی (وندهای مطابقه فاعلی) است. از دیگر ویژگی‌های صرفی مطرح‌شده و شایان توجه این

گویش، وجود ساختی تصریفی با استفاده از وندافزایی برای صرف فعل مجهول است که بازمانده ساخت مجهول دوره ایرانی میانه غربی است و مشابه یا قرینه‌ای در فارسی امروز ندارد. در این شیوه پسوند مجهول ساز -[] به ستاک حال فعل پیوسته و ستاک گذشته آن نیز همواره باقاعده است. این گویش ساخت جداگانه‌ای برای زمان آینده ندارد و حال استمراری (اخباری) برای این منظور به کار می‌رود. این مطالب نشانگر آن است که این گویش درمقایسه با فارسی نو، از نظر رده شناسی صرفی، ترکیبی‌تر است.

کتاب‌نامه

آهور، رفعت‌الزمان (۱۳۴۸)، بررسی سیستم کارواژه در گویش تار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران (به راهنمایی دکتر بهرام فره‌وشی).
اسماعیلی، محمد مهدی (۱۳۹۰)، گنجینه گویش‌های ایرانی (استان اصفهان ۱)، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

Locoq, P. (2002), Recherches sur les dialectes kermaniens (Iran central), Acta Iranica 39, Leuven.